

## بررسی رابطه جنسیت با ابعاد روان‌آزردگی، روان‌گسستگی، برون‌گرایی و رضایت از زندگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۰۱

محمد زارعی توپخانه<sup>۱</sup>، علی زهیری هاشم‌آبادی<sup>۲</sup>، محمد مهدی صفورایی پاریزی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه جنسیت با ابعاد روان‌آزردگی، روان‌گسستگی، برون‌گرایی و رضایت از زندگی صورت پذیرفته است. حجم نمونه مورد پژوهش ۲۹۵ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر (۱۷۰ دختر و ۱۲۵ پسر) دبیرستان‌های شهرستان بهارستان است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. پژوهش از نوع همبستگی است و ابزار مورد استفاده، **پژوهش شخصیتی آیسنک** است. داده‌ها بر اساس آزمون همبستگی پیرسون و آزمون **مان‌ویننی** تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین رتبه روان‌آزردگی، روان‌گسستگی و برون‌گرایی دانش‌آموزان دختر و پسر به طور معناداری تفاوت دارد. میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان دختر بیش از دانش‌آموزان پسر است؛ میانگین رتبه روان‌گسستگی و برون‌گرایی دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر است. بین میانگین رتبه رضایت از زندگی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده نگردید. بنابراین، برنامه‌ریزی‌های آینده مرتبط با تیپ‌های شخصیتی باید در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی صورت پذیرد. **کلید واژه:** روان‌آزردگی، روان‌گسستگی، برون‌گرایی، رضایت از زندگی، جنسیت.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.  
Email: mohammad135Az@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
Email: hashemabadi.a@gmail.com

۳. استادیار روانشناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: m.safurayi@miu.ac.ir

## ۱. مقدمه

شخصیت از بنیادی‌ترین مفاهیم روان‌شناسی است که موجب تمایز فرد از دیگران می‌شود (میرزا، کورتز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). امروزه شخصیت به مجموعه ویژگی‌ها و گرایش‌های پایداری گفته می‌شود که رفتارهای مشابه و متفاوت روان‌شناختی افراد (شامل افکار، هیجانات و کنش‌ها) را در طول زمان تعیین می‌کند (ریکا<sup>۲</sup>، پینا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی با جنسیت از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده است. **ماکوبی<sup>۴</sup> و جکلاین<sup>۵</sup>** (۱۹۷۴) اولین پژوهش جامع را در ارتباط با تفاوت‌های جنسیتی با شناخت، خلق و خو و رفتار اجتماعی در میان نوجوانان و بزرگسالان انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مردان در مقایسه با زنان، جسارت و قاطعیت بیشتر و اضطراب کمتری دارند. نتیجه پژوهش **فینگولد<sup>۶</sup>** (۱۹۹۴) حکایت از آن دارد که مردان در ویژگی جسارت و قاطعیت نمره بالاتری کسب کردند و زنان در اضطراب و اعتماد نمره بالاتری به دست آوردند. تحقیقات مؤسسه گالوپ نیز در ۲۲ کشور جهان در سال ۱۹۹۶ نشان داد در حالی که مردان، پرخاشگرت‌تر، جاه‌طلب‌تر و شجاع‌تر از زنان‌اند، زنان تقریباً در همه جای دنیا پر حوصله‌تر، عاطفی‌تر و پر حرف‌تر از مردان‌اند (گلوب پل<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶). **پریز<sup>۸</sup>** (۲۰۰۴) با بررسی تفاوت‌های جنسیتی در حوزه صفات شخصیتی و اختلالات شخصیت دریافت که اختلالات شخصیت در دو جنس، متفاوت است؛ اختلال شخصیت ضد اجتماعی در مردان شایع‌تر است و اختلال شخصیت مرزی، در زنان. **لوکسن<sup>۹</sup>** (۲۰۰۵) نشان داد که مردان تمایل بیشتری به تسلط اجتماعی دارند و خانم‌ها بیشتر به وابستگی تمایل دارند. **چن<sup>۱۱</sup>** (۲۰۰۹) در بسیاری از زمینه‌ها از جمله خودمهارگری، اضطراب و خصومت، تفاوت‌های جنسیتی را

- 1 . Meyer, G. J
- 2 . Kurtz, J. E
- 3 . Rebecca, A
- 4 . Pina, R
- 5 . Maccoby, E. E
- 6 . Jacklin, C. N
- 7 . Feingold, A
- 8 .Gallup Poll
- 9 . Paris, J
- 10 . Luxen, M. F
- 11 . Chen, G

مشاهده نمود. تیگانی<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۱۱) به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میان صدساله‌های کشور یونان پرداختند. یافته‌ها نشان داد زنان نسبت به مردان در ویژگی‌های شخصیتی، وابستگی بیشتری به پاداش داشتند و سازگاری بیشتری را نشان دادند. در حالی که مردان، خوش بینی بیشتری را گزارش کردند. پینیرو<sup>۲</sup> و دیگران (۲۰۱۳) دریافتند که الگوی شخصیتی متفاوت جنسیتی در برخی رفتارهای پرخطر وجود دارد.

رابطه جنسیت و ابعاد شخصیتی بر اساس نظریه‌های مختلفی قابل بررسی است. یکی از نظریه‌های مطرح، «نظریه شخصیتی آیزنک» است. بر اساس این نظریه، رفتار افراد سه بعد شخصیت را منعکس می‌کند که شامل روان رنجوری، روان‌گسستگی و برون‌گرایی می‌شود (براتیس<sup>۳</sup> و دیگران ۲۰۱۱). افراد روان‌آورده با تجربه هیجان‌های منفی، عزت نفس پایین، بی‌ثباتی هیجانی، اضطراب، افسردگی و احساس گناه شناخته می‌شوند (کال<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). افراد روان‌گسسته به صفاتی از قبیل رفتار ضد اجتماعی، فقدان حساسیت هیجانی، تفکر پارانوئید، تکانش‌گری، پرخاش‌گری، خودمحوری، خلاقیت، و افکار خشونت‌بار گرایش دارند (براتیس<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). افرادی که نمره بالایی در مقیاس برون‌گرایی دارند، عموماً معاشرتی، خون‌گرم، اجتماعی، فعال و خوش بین‌اند. در حالی که افراد دارای نمره پایین در این مقیاس و درون‌گرا، ساکت، غیر اجتماعی، منفعل و مراقب‌اند (ماتوس<sup>۵</sup> و گیلیند<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). پژوهش‌های گوناگون، رابطه این عوامل سه‌گانه را با جنسیت مورد بررسی قرار داده‌اند. شکری، کدیورو و دانش‌جو پور (۱۳۸۶) دریافتند که دانشجویان دختر در عامل روان‌آزردگی نمره بالاتری کسب کردند و دانشجویان پسر در عامل‌های برون‌گرایی نمره بالاتری به دست آوردند. چلبیانلو و گروسی فرشی (۱۳۸۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که پسران نسبت به دختران نمرات برون‌گرایی بالاتری را کسب کردند، ولی میزان روان‌آزردگی کمتری از خود نشان دادند. نتایج فراتحلیل کارد<sup>۷</sup> و دیگران (۲۰۰۸) از ۱۴۸ مطالعه انجام شده در پرخاش‌گری کودکان و نوجوانان (از مؤلفه‌های

1. Tigani, X
2. Piñeiro, B
3. Beratis, I. N
4. Cal, E. M
5. Matthews, G
6. Gilliland, K
7. Card, N. A

روان‌گسستگی)، یافته‌های قبلی از تفاوت‌های جنسیتی را تأیید کرد؛ پسران نمرات بالاتری در پرخاشگری کسب می‌کنند. نتایج فراتحلیل چاپلین<sup>۱</sup> و آلدو<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) از ۱۶۶ مطالعه انجام شده بر روی ۲۱۷۰۹ آزمودنی حکایت از آن دارد که دختران، در مؤلفه‌های روان‌رنجوری (مانند غم، اندوه و اضطراب) و پسران، در مؤلفه‌های روان‌گسستگی (مانند خشم و پرخاشگری) نمرات بالاتری کسب کردند. در مقابل، نتایج پژوهش کارانسی<sup>۳</sup> و دیگران (۲۰۰۷) نشان داد که در عوامل روان‌آزردگی، روان‌گسستگی و برون‌گرایی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد؛ هرچند در مقیاس دروغ، تفاوت معناداری دیده شد. عابدی و دیگران (۱۳۹۱) نیز در عوامل روان‌آزردگی و برون‌گرایی تفاوت جنسیتی مشاهده نکردند.

یکی از امور دیگری که تحت تأثیر تفاوت‌های جنسیتی قرار می‌گیرد، رضایت از زندگی و بهزیستی روانی- جسمانی است (ویلسون<sup>۴</sup> و دیگران ۲۰۰۵). رضایت از زندگی و بهزیستی، مهم‌ترین عنصر زندگی در همه فرهنگ‌ها است و روان‌شناسان سلامت می‌کوشند تا عوامل دستیابی به سطوح بالاتر بهزیستی و رضایت از زندگی را شناسایی کنند (لوکاس<sup>۵</sup> و دونلند<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). مفهوم رضایت، تجربه درونی است که حضور مثبت هیجان‌ها و نبود احساسات منفی را در بر می‌گیرد (رود<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). شکری و دیگران (۱۳۸۶) دریافتند که به دلیل عوامل شخصیتی، جنسیت رابطه معناداری با رضایت از زندگی دارد؛ هرچند در این تحقیق، جنسیت به تنهایی با رضایت از زندگی رابطه معناداری نشان نداد. هنکین<sup>۸</sup> و دیگران (۱۹۹۸) دریافتند جنسیت در بهزیستی روانی نقش دارد. کامپوس<sup>۹</sup> و دیگران (۲۰۱۴) به بررسی کهنسالی، جنسیت و کیفیت زندگی پرداختند و درصد شناسایی عوامل بهبود کیفیت زندگی در افراد کهنسال برآمدند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که برای زنان، سلامت جسمانی و روانی با کیفیت زندگی در

- 
- 1 . Chaplin, T. M
  - 2 . Aldao, A
  - 3 . Karanci, A. N
  - 4 . Wilson G. S
  - 5 . Lucas, R. E
  - 6 . Donnellan, M. B
  - 7 . Rode
  - 8 . Hankin, B. L
  - 9 . Campos, A. E

ارتباط است و برای مردان، کیفیت مناسب زندگی با وضعیت خوب اجتماعی و اقتصادی و سلامت جسمی و روانی همراه بود. ریاحی (۱۳۹۰) نشان داد بین رضایت جسمانی و تفاوت‌های جنسیتی رابطه وجود دارد.

دو نظریه روان‌شناسی بیولوژیک (زیستی) و روان‌شناسی اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی را در ابعاد شخصیتی و هیجانات تبیین می‌نمایند. نظریه زیستی، تفاوت‌های جنسیتی را ناشی از تفاوت در خلق و خوی ذاتی و فطری بین دو جنس می‌داند که با انتخاب‌های طبیعی رشد می‌یابد (پائول، ۲۰۰۱). از جمله روان‌شناسان زیستی، روان‌شناسان تکاملی‌اند که معتقدند تفاوت زن و مرد ناشی از رویارویی آنان با مسایلی است که مطابق جنسیت و مقتضای تکامل آنها است. برای مثال، به دلایل زیستی مانند بارداری، فرزندآوری و شیردهی، زنان بیش از مردان با کودکان درگیرند. به همین دلیل، زنان سازگارتر و پرورش‌دهنده‌ترند (باس، ۱۹۹۵).

برخی دیگر از نظریه‌پردازان زیستی، این تفاوت‌های جنسیتی را ناشی از غدد درون‌ریز در دو جنس می‌دانند. آنان معتقدند که ترشح غدد درون‌ریز در خلال رشد بر روی علایق، فعالیت‌ها و پرخاشگری دو جنس تأثیر می‌گذارد. (برن‌بام، ۱۹۹۶)

نظریه‌پردازان اجتماعی معتقدند تفاوت‌های جنسیتی ناشی از نقش‌های جنسیتی که برای هرکدام از زن و مرد تعریف شده است. نقش‌های جنسیتی از توقعات و رفتارهای اجتماعی نشأت می‌گیرد و این نقش‌ها در دوره رشد، درونی می‌گردد. نقش‌های جنسیتی بر اساس آداب و فرهنگ و تربیت متفاوت زن و مرد شکل می‌گیرد (اگلی، ۱۹۹۵). برای نمونه، بر مبنای یکی از این دیدگاه‌ها، وجود تمایلات اجتماعی در مورد دو جنس، موجب شکل‌گیری ویژگی‌های متناسب با جنسیت می‌شود و برخی از این ویژگی‌ها مانند ترس در زنان بیش از مردان بروز می‌کند (فینگولد، ۱۹۹۴).

بر اساس آموزه‌های دینی، زن و مرد دارای سرشت و حقیقتی یگانه‌اند و گوهر آفرینش آنها یکی است. قرآن کریم می‌فرماید: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا؛ او (خدا) همه شما

1 . Paul, T

2 . Buss, D. M

3 . Berenbaum, S. A

4 . Eagly, A. H



ابعاد سه‌گانه شخصیت و رضایت از زندگی در میان دو جنس پرداخته‌اند. پژوهش داخلی نیز در این زمینه به دست نیامد. از این رو، با توجه به اینکه ویژگی‌های شخصیتی، نقش اساسی در کیفیت زندگی دارند و در صورت شناسایی رابطه تفاوت جنسیتی با ویژگی‌های شخصیتی، این مسأله نیاز به برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری برای آینده دارد، مطالعه حاضر برای پر کردن این خلاء پژوهشی و با هدف بررسی ارتباط جنسیت با ابعاد شخصیت در میان دانش‌آموزان دبیرستانی سامان یافته است. فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱. بین جنسیت و روان‌آزوده‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین جنسیت و روان‌گسسته‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین جنسیت و برون‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین جنسیت و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

## ۲. روش

### ۲-۱. روش تحقیق

این پژوهش از نوع همبستگی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه گروه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون مان‌ویتنی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان بهارستان است. حجم نمونه مورد پژوهش ۲۹۵ نفر (۱۲۵ پسر و ۱۷۰ دختر) است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، به دست آمد؛ به این صورت که دبیرستان‌های یکی از بخش‌های شهرستان، یک خوشه در نظر گرفته شد، سپس هشت دبیرستان دخترانه و پسرانه به طور تصادفی انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها در بین دانش‌آموزان مدارس منتخب توزیع و داده‌ها جمع‌آوری شد و پرسش‌نامه‌های کامل مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

### ۲-۲. ابزارهای مورد استفاده

مقیاس شخصیتی آیسنک<sup>۱</sup>

پرسش‌نامه شخصیتی آیسنک در سال ۱۹۶۳ جهت سنجش برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند برون‌گرایی، روان‌آزوده‌گرایی، روان‌گسسته‌گرایی ساخته شد. خرده‌مقیاس‌ها شامل

سه ویژگی شخصیتی مذکور به همراه خرده‌مقیاس دروغ‌سنج است. پرسش‌نامه دارای دو فرم و نود پرسش است که با پاسخ «بلی» یا «خیر» جواب داده می‌شود (فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸). آیسنگ آن را بر روی گروه واحد در دو زمان متفاوت اجرا نمود و اعتبار و روایی آن را به دست آورد. ضریب اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) برای مردان روان‌گسستگی ۰/۷۸، برون‌گرایی ۰/۹۰، روان‌آزرده‌گرایی ۰/۸۸ و دروغ ۰/۸۲ به دست آمد و برای زنان روان‌گسستگی ۰/۷۶، برون‌گرایی ۰/۸۵، روان‌آزرده‌گرایی ۰/۸۵ و دروغ ۰/۷۹ به دست آمد. همچنین با روش بازآزمایی به فاصله یک ماه بر روی یک نمونه ۲۳۰ نفری، ضریب همبستگی به این شرح گزارش شد: برای مردان روان‌گسستگی ۰/۷۷، برون‌گرایی ۰/۸۳، روان‌آزرده‌گرایی ۰/۷۶ و دروغ ۰/۷۶ به دست آمد و برای زنان روان‌گسستگی ۰/۸۱، برون‌گرایی ۰/۸۹، روان‌آزرده‌گرایی ۰/۸۱ و دروغ ۰/۸۰ به دست آمد (آیسنگ، ۱۹۷۵، به نقل از: فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸). در ایران، **حق‌شناس** (۱۳۷۸ به نقل از محمدزاده، و همکاران، ۱۳۸۶) ضریب اعتبار این پرسش‌نامه را با استفاده از روش بازآزمایی برای شاخص‌های روان‌گسستگی ۰/۷۲، روان‌آزرده‌گرایی ۰/۸۹، برون‌گرایی ۰/۹۲ و دروغ‌سنجی ۰/۸۸ به دست آورده است.

در پژوهش حاضر، اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ شاخص‌های روان‌گسستگی ۰/۷۷، روان‌آزرده‌گرایی ۰/۷۳، برون‌گرایی ۰/۸۲ و دروغ‌سنجی ۰/۷۸ به دست آمده است.

### مقیاس رضایت از زندگی<sup>۱</sup>

این مقیاس دارای پنج گویه و تک‌عاملی است. داینر<sup>۲</sup> این مقیاس را برای سنجش وجه شناختی بهزیستی فاعلی ساخته است و تاکنون یکی از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی بوده است. این مقیاس را بیاتی و دیگران (۱۳۸۶) اعتباریابی کرده‌اند. به گزارش آنان، اعتبار این مقیاس از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ به دست آمد که برای گروه‌های سنی مختلف قابل اجرا است. در پژوهش حاضر، اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد.

1 . Satisfaction with Life Scale

2 . Diener



### ۳. یافته‌ها

جدول شماره ۱، توزیع فراوانی ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی را توصیف می‌کند. از مجموع ۳۱۶ شرکت‌کننده، نمره میانگین روان‌آزردگی ۱۴/۱۸ و انحراف استاندارد آن ۴/۵۲ است. نمره میانگین روان‌گسستگی ۷/۰۹ و انحراف استاندارد آن ۳/۱۶ است. نمره میانگین رضایت از زندگی ۲۱/۳۵ و انحراف استاندارد آن ۶/۴۶ است.

جدول ۱: توزیع فراوانی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، رضایت از زندگی و جنسیت

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	تعداد
روان‌آزردگی	۱۳/۶۲	۴/۲۰	۳	۲۸	۲۹۵
روان‌گسستگی	۶/۹۱	۳/۳۳	۰	۱۷	
برون‌گرایی	۱۳/۰۹	۳/۱۸	۲	۲۰	
رضایت از زندگی	۲۱/۳۵	۶/۴۶	۵	۳۵	
جنسیت	۱/۵۸	۰/۴۹	۱	۲	

در جدول شماره ۲، میانگین رتبه روان‌آزردگی، روان‌گسستگی، برون‌گرایی و رضایت از زندگی بر اساس جنسیت مورد مقایسه قرار گرفته است. همان‌گونه که دیده می‌شود، میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان دختر بیش از دانش‌آموزان پسر است. همچنین، میانگین رتبه روان‌گسستگی دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر است. میانگین رتبه برون‌گرایی دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر است. میانگین رتبه رضایت از زندگی دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت چندانی ندارد.

جدول شماره ۲: میانگین رتبه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی با توجه به جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین
روان‌آزردگی	پسر	۱۲۵	۱۲۹/۵۱
	دختر	۱۷۰	۱۶۱/۶۰
	کل	۲۹۵	
روان‌گسستگی	پسر	۱۲۵	۱۷۶/۳۷
	دختر	۱۷۰	۱۲۷/۱۴
	کل	۲۹۵	

۱۵۹/۹۲	۱۲۵	پسر	برون‌گرایی
۱۳۹/۲۳	۱۷۰	دختر	
	۲۹۵	کل	
۱۴۷/۳۳	۱۲۵	پسر	رضایت‌اززندگی
۱۴۸/۴۹	۱۷۰	دختر	
	۲۹۵	کل	

جدول شماره ۳، آزمون مان‌ویتنی را نشان می‌دهد که برای مقایسه گروه‌ها براساس جنسیت با ابعاد روان‌آزردگی، روان‌گسستگی و برون‌گرایی به کار رفته است. با توجه به این آزمون، تفاوت میانگین رتبه روان‌آزردگی با توجه به جنسیت، از نظر آماری معنادار است ( $P < 0/001, Z = -3/20$ ). تفاوت میانگین رتبه روان‌گسستگی با توجه به جنسیت، از نظر آماری معنادار است ( $P < 0/001, Z = -4/92$ ). تفاوت میانگین رتبه برون‌گرایی با توجه به جنسیت، از نظر آماری معنادار نیست ( $P < 0/05, Z = -2/06$ ). تفاوت میانگین رتبه رضایت‌اززندگی با توجه به جنسیت، از نظر آماری معنادار نیست ( $P < 0/05, Z = -0/11$ ).

جدول شماره ۳: آزمون مان‌ویتنی برای مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت‌اززندگی با توجه به

#### جنسیت

رضایت‌اززندگی	برون‌گرایی	روان‌گسستگی	روان‌آزردگی	آزمون
۱۰۵۴۱	۹۱۳۴	۷۰۷۹	۸۳۱۳	آماره مان‌ویتنی
-۰/۱۱	-۲/۰۶	-۴/۹۲	-۳/۲۰	Z
۰/۹۰	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	سطح معناداری

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه جنسیت با ابعاد روان‌آزردگی، روان‌گسستگی و برون‌گرایی بود. یافته اول پژوهش، گویای این مطلب است که میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان دختر و پسر به طور معناداری تفاوت دارد و میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان دختر بیش از دانش‌آموزان پسر است. این نتیجه، در راستای پژوهش پائول و دیگران (۲۰۰۱)؛ **بنزاف** و دیگران (۲۰۱۲) است که دریافتند زنان نمره بالاتری در روان‌رنجوری کسب کرده‌اند. **مکلن**

و اندرسون (۲۰۰۹)، دریافتند زنان ترس و اضطراب بیشتری را گزارش کرده‌اند. پژوهش دیگری نشان می‌دهد که دختران بیش از پسران علائم اضطراب و افسردگی را از خود نشان می‌دهند. پژوهش ناهمسو با یافته نتایج پژوهش کارانسی و دیگران (۲۰۰۷) و عابدی و دیگران (۱۳۹۱) نشان داد که در عوامل روان‌آزردگی، بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد.

یافته دوم پژوهش نشان می‌دهد که میانگین رتبه روان‌گسستگی دانش‌آموزان دختر و پسر به میزان معناداری تفاوت دارد و میانگین رتبه روان‌گسستگی دانش‌آموزان پسر، بیش از دانش‌آموزان دختر است. این پژوهش همسو با یافته سوزوکرا، لارسن<sup>۲</sup> و لانزارون<sup>۳</sup> است که دریافتند پسران در روان‌گسستگی نمره بالاتری کسب کردند. پژوهش دیگری نشان داد که در دوران کودکی، پسران بیش از دختران احتمال دارد به مشکلاتی مانند لج‌بازی و پرخاشگری دچار شوند (کول<sup>۴</sup>، همکاران، ۱۹۹۴). اریپینس<sup>۵</sup> و دیگران (۲۰۱۴) نشان دادند پسران بیش از دختران مرتکب خشونت می‌شوند. پژوهش کارانسی و دیگران (۲۰۰۷) ناهمسو با یافته مذکور است که نشان داد در عامل روان‌گسستگی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد.

یافته سوم حکایت از آن دارد که میانگین رتبه برون‌گرایی دانش‌آموزان دختر و پسر به میزان معناداری، تفاوت دارد و میانگین رتبه برون‌گرایی دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر است. شکری و دیگران (۱۳۸۶) و چلیبانلو و گروسی فرشی (۱۳۸۹) دریافتند پسران نسبت به دختران نمرات برون‌گرایی بالاتری را کسب کردند. کاستنا<sup>۶</sup> و مک‌کری<sup>۷</sup> نشان دادند زنان در گرم بودن در عامل برون‌گرایی نمره بالاتری کسب کرده بودند و مردان در هیجان خواهی در همان عامل بالاتر بودند. پائول و دیگران (۲۰۰۱) دریافتند که مردان نسبت به زنان نمره بالاتری در ابراز وجود و باز بودن عقاید را نشان دادند. برخی پژوهش‌های ناهمسو عبارتند از: پژوهش فینگولد (۱۹۹۴)، کارانسی و دیگران (۲۰۰۷) و عابدی و دیگران (۱۳۹۱) که نشان دادند در عامل برون‌گرایی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد.

1. Cuzzocrea, F
2. Larcen, R
3. Lanzarone, C
4. Cole, P. M
5. Orpinas, P
6. Costa P. T
7. McCrae R. R

یافته‌های پژوهش بر اساس تفاوت‌های جنسیتی ناشی از ترکیب پایه‌های زیستی، زمینه‌های خلقی و جامعه‌پذیری پسران و دختران قابل تبیین است؛ به بیان دیگر، تفاوت‌های جنسیتی اولیه، به احتمال زیاد، متأثر از عوامل بیولوژیکی است، مانند تفاوت‌های جنسیتی در بروز ژن و تأثیر هورمون‌های جنسی (مثل هورمون تستوسترون<sup>۱</sup>) در رحم مادر که در تفاوت‌های مغزی و بدنی بین زن و مرد اثرگذار است (وکسلر<sup>۲</sup> و دیگران). برای مثال، نوزادان پسر، سطوح فعالیت، انگیزختگی و پرخاش‌گری بالاتری را به نمایش می‌گذارند و دختران احساسات درونی بیشتری را از خود بروز می‌دهند که به احتمال زیاد، همه آنها بیولوژیکی است (برودی<sup>۳</sup>؛ ۱۹۹۶؛ واینبرگ و دیگران، ۱۹۹۹). این مسأله در پژوهش‌های تطبیقی نیز تأیید شده است. پالانزا<sup>۴</sup> و دیگران (۲۰۰۱) با آزمایش بر روی موش‌های نر و ماده نشان دادند که موش‌های نر، اضطراب کمتر و سلطه اجتماعی بیشتری دارند و موش‌های ماده، اضطراب بیشتر و پیروی اجتماعی بیشتری دارند. پائول و دیگران (۲۰۰۱) نیز رابطه تفاوت‌های جنسیتی با صفات شخصیتی را در فرهنگ‌های مختلف مورد پژوهش قرار دادند. آنان با پژوهش در ۲۶ فرهنگ مختلف با ۲۳۰۳۱ آزمودنی دریافتند برخلاف پیش‌بینی الگوی نقش اجتماعی، تفاوت‌های جنسیتی در فرهنگ اروپایی و آمریکایی که در آن نقش‌های جنسیتی سنتی کمترین جایگاه را دارد، بیشترین تفاوت‌های جنسیتی به نمایش درآمد. تبیین احتمالی آنان برای این یافته‌های شگفت‌انگیز این بود که رفتارهای مردانه و زنانه بیشتر به تفاوت زیستی اسناد داده شود تا به ویژگی‌های فرهنگی و سنتی. بر این اساس، فرهنگ جامعه هم به گونه‌ای است که دختر باید از پسر احساساتی‌تر باشد و همدلی و همدردی بیشتری از خود نشان دهد که هر دو در قالب نمایش عواطف ظاهری و رفتار همدلانه صورت می‌پذیرد (وکسلر و دیگران، ۲۰۰۱). در مقابل، انتظار می‌رود پسران نسبت به دختران احساسات کمتری از خود بروز دهند و به آنها اجازه داده می‌شود هیجانات بیرونی مانند خشم، جسارت و نفرت بیشتری از خود ابراز کنند. خشم و جسارت برای غلبه بر موانع و مشکلات به کار می‌رود

1 . Testosterone  
 2 . Zahn-Waxler, C  
 3 . Brody, L. R  
 4 . Palanza, P

و استرس را برون‌ریزی می‌کند (برودی، ۱۹۹۹؛ برودی و هال، ۲۰۰۸). بنابراین، ابراز هیجانات بیرونی، مرتبط با نقش‌های جنسیتی و اجتماعی مردان است که دارای اعتماد به نفس، متکی به خود، مستقل و حتی پرخاش‌گرند و این امر منطبق با نقش‌های سنتی است که مردان، محافظت از خانواده و غلبه بر خطرات سدکننده راه تأمین خانواده را بر عهده دارند (برودی، ۱۹۹۹). این تبیین با یافته هیگز<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۱۲) تأیید می‌شود. آنان به بررسی رابطه تفاوت شخصیتی آسیب‌زا با زمینه‌های زیست محیطی در بین دو قلو ی دختر و پسر پرداختند. یافته تحقیق نشان داد که تعامل عوامل ژنتیکی و محیط (خانواده، مدرسه، همسالان و اجتماع) در دو جنس، زمینه ویژگی‌های شخصیتی را فراهم می‌آورد.

یافته‌های پژوهش را می‌توان بر اساس آموزه‌های دینی تبیین نمود. در برخی از آیات و روایات، تفاوت‌های جنسیتی تأیید شده که می‌توان تفاوت‌های شخصیتی با پایه‌های زیستی را استنباط نمود. برای نمونه، قرآن کریم در بیان علت واگذاری مسؤلیت خانواده به مرد، چنین استدلال نموده است: «مَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ؛ به این دلیل که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است» (نساء: ۳۴). علامه طباطبایی معتقد است این زیادت و برتری، به حسب طاقتی است که مردان بر اعمال دشوار دارند. چون زندگی زنان، احساسی و عاطفی است که اساس و سرمایه‌اش ظرافت و لطافت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق. ۴/۳۴۳). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز معتقد است این مسؤلیت به دلیل تفاوت‌هایی است که خداوند در آفرینش برای مصلحت نوع بشر (پایه‌های ذاتی و فطری) میان آنها قرار داده که بر عواطف بیشتر زنان و قدرت و توان بیشتر مردان تأکید می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۲۷۰). همچنین علامه طباطبایی در ذیل آیه «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) معتقد است برخی از ویژگی‌هایی که به مردان و زنان اختصاص دارد، سرچشمه در فطرت و ذات زن و مرد دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق. ۴/۳۳۷).

از برخی روایات نیز به دست می‌آید که اساس آفرینش زنان، ظرافت و لطافت است: «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ همانا زن گل است و قهرمان نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ۵/۵۱). ظرافت و لطافت زنان آسیب‌پذیری بیشتر آنان را به دنبال دارد که منشاء طبیعی و ذاتی دارد:

«خُلِقَتْ مِنْ ضَعْفٍ؛ زن در خلقت دارای ضعف است» (حرعاملی، ۱۴۰۹/۲۱، ۳۶۷-۳۶۸). در مجموع، با تأمل در مفاد احکام و توصیه‌های دینی مربوط به خانواده، می‌توان تبیین چند علتی برای تفاوت‌های جنسیتی استنباط کرد که عوامل زیستی، روان‌شناختی و اقتصادی و فرهنگی در آن مؤثرند (بستان، ۱۳۸۸).

یافته چهارم پژوهش بیان می‌کند که بین میانگین رتبه رضایت از زندگی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده نشد؛ به عبارت دیگر، بین جنسیت و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته، همسو با پژوهش شکری و دیگران (۱۳۸۶) است که دریافتند جنسیت بدون واسطه، با رضایت از زندگی رابطه معناداری ندارد. یافته پژوهش با نتایج مطالعات هنکین و دیگران (۱۹۹۸)، کامپوس و دیگران (۲۰۱۴) و ریاحی (۱۳۹۰) همسویی ندارد.

همان‌گونه که گفته شد، بسیاری از پژوهش‌های گذشته نشان داد جنسیت با رضایت از زندگی در ارتباط است. از سویی، بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد شخصیت در بهزیستی و رضایت از زندگی مؤثر است (سپوتش، ۲۰۰۵؛ چارنیا، ۲۰۰۷؛ عطارزاده و همکاران، ۱۳۸۵) و در پژوهش حاضر بین ابعاد شخصیت و جنسیت، رابطه معناداری به دست آمد. بر این اساس، انتظار می‌رفت بین جنسیت و رضایت از زندگی نیز رابطه معناداری به دست آید که چنین نشد. به نظر می‌رسد این یافته را می‌توان چنین تبیین کرد که بر اساس پژوهش‌ها، جوانی، سلامت، تحصیلات خوب، توانایی مالی، خوش‌بینی، نداشتن تنش و نگرانی، مذهب، تأهل، عزت نفس و آرزوهای معتدل از دیگر عوامل رضایت از زندگی به شمار می‌آیند (ویلسون، ۱۹۶۷). در این پژوهش، نقش عوامل گفته‌شده تعدیل نشده است. بنابراین، هر کدام از این عوامل می‌تواند در نتیجه پژوهش تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه نمونه پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستانی است، دوره نوجوانی و هیجان‌های ناشی از آن نیز ممکن است بر نتیجه مذکور اثرگذار باشد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که جنسیت با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، روان‌گسسته‌گرایی و برون‌گرایی رابطه دارد، ولی با رضایت از زندگی رابطه ندارد. میانگین رتبه

1 . Spotts  
2 . Charania

روان‌آزردگی دانش‌آموزان دختر بیش از دانش‌آموزان پسر است. میانگین رتبه روان‌گسستگی و برون‌گرایی دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر است. این یافته بر اساس تعامل تفاوت‌های زیستی-محیطی قابل تبیین است. این امر، همسو با بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی و آموزه‌های اسلامی است. پژوهش‌دارای محدودیت‌هایی است؛ از جمله اینکه از نوع همبستگی است و نباید تبیین علت و معلولی از آن داشت. همچنین، پژوهش فقط در جامعه دانش‌آموزی انجام شده که ممکن است شخصیت دانش‌آموزان دبیرستانی به درستی شکل نگرفته باشد. هیجان‌ناشی از دوران نوجوانی نیز ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیرگذار بوده باشد. از این رو، لازم است تعمیم‌پذیری با دقت انجام شود و برای دست‌یابی به نتایج دقیق‌تر، پژوهش‌های دیگری در جوامع مختلف به عمل آید. بر اساس یافته‌های پژوهش، جنسیت نقش مهمی در ویژگی‌های شخصیتی دارد و پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی و نقش‌های خانوادگی-اجتماعی، تفاوت‌های جنسیتی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌ریزی‌های آینده مرتبط با تیپ‌های شخصیتی انجام شود تا زمینه شکوفایی استعداد‌های متناسب با توانمندی جنسیتی افراد فراهم گردد.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. بستان، حسین، بختیاری، محمدعزیز، و شرف‌الدین، حسین. (۱۳۸۸). *اسلام و جامعه شناسی خانواده*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. چلبیانلو، غلامرضا، و گروسی فرشی، میر تقی. (۱۳۸۹). رابطه آزمون شخصیت پنج عاملی NEO-PI-R با آزمون SCL-R-۹۰: نگاهی به قابلیت آزمون نئو در ارزیابی سلامت روانی. *مجله علوم رفتاری*، ۱(۴)، ۵۱-۵۸.
۳. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
۴. ریاحی، محمد اسماعیل. (۱۳۹۰). بررسی تفاوت جنسیتی در میزان رضایت مندی از تصویر بدن. *زن در توسعه و سیاست*، ۳(۱۲)، ۳۳-۵.
۵. شکر، امید، کدیور، پروین، دانش‌پور، زهره. (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی ذهنی، نقش ویژگی‌های شخصیت. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۵۰(۳)، ۲۸۰-۲۸۹.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه‌ی مدرسین.
۷. عابدی، قاسم، محمدی، اکبر، علیزاده، احد، حسینی، هادی، و یحیی‌زاده، امید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه ابعاد شخصیتی با جنس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۹۸(۲۳)، ۱۱۴-۱۲۲.
۸. عطارزاده، عبدالکریم، مومبینی، شمس، کاظمی، زهرا، و ایزد پناه، اکبر. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ساده و چند گانه بین ویژگی‌های شخصیت و وسواس با رضایت زناشویی. *چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*. دانشگاه شهید بهشتی.
۹. فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۸). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: بعثت.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۲. محمدزاده، علی، گودرزی، محمد علی، تقوی، سید محمد رضا، و ملازاده، جواد. (۱۳۸۶). بررسی ساختار عاملی، روایی، اعتبار و هنجاریابی مقیاس شخصیتی اسکیزوتایپی (STA). *مجله روان‌شناسی*، ۱(۱۵)، ۳-۲۷.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
14. Banzhaf, A., Ritter, K., Merkl, A., Schulte, H. O., Lammers, C. H., & Roepke, S. (2012). Gender differences in a clinical sample of patients with borderline personality disorder. *Personality Disorder*, 26(3), 368-380.
15. Beratis, I. N., Rabavilas, A. D., Papadimitriou, G. N., & Papageorgiou, C. (2011). Eysenck's model of personality and psychopathological components in right and left handers. *Personality and Individual Differences*, 50, 1264-1274.
16. Berenbaum, S. A. (1999). Effects of early androgens on sex-typed activities and interests in adolescents with congenital adrenal hyperplasia. *Hormones Behavior*, 35(1), 10-102.
17. Brody, L. R., & Hall, J. A. (2008). *Gender and emotion in context*. In M. Lewis, J. M. Haviland-Jones, & L. F. Barrett (Eds.). New York, NY: Guilford Press.
18. Brody, L. R. (1999). *Gender, emotion, and the family*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
19. Buss, D. M. (1995). Psychological sex differences, Origins through sexual selection. *American psychologist*, 50, 164-168.
20. Cal, E. M. (2006). A quantitative review of the relations between the "Big 3" higher order personality dimensions and antisocial behavior. *Journal of Research in Personality*, 40, 250-284.
21. Campos, A. E. Ferreira, E., Vargas, A., & Albala, C. (2014). Aging, Gender and Quality of Life (AGEQOL) study: factors associated with good quality of life in older Brazilian community-dwelling adults. *Health and Quality Life of Outcomes*, 12(1), 30-166.
22. Card, N. A., Stucky, B. D., Sawalani, G. M. & Little, T. D. (2008). Direct and indirect aggression during childhood and adolescence: a meta-analytic review of gender differences,



- intercorrelations, and relations to maladjustment. *Child Development*, 19(5), 1185-1229.
23. Chaplin T. M., & Aldao, A. (2013). Gender differences in emotion expression in children: a meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 139(4), 735-765.
  24. Charania, M. R. (2007). Personality Influence on Marital Satisfaction: An Examination of Actor, Partner, and Interaction Effects. *University of Texas at arlington*, 14(2), 187-208.
  25. Cole, P. M., Michel, M. K., & Teti, L. O. (1994). The development of emotion regulation and dysregulation: A clinical perspective. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 59, 13-100.
  26. Costa P. T., & McCrae R. R. (1992). The Five-Factor Model of Personality and Its Relevance to Personality isorders. *Journal of Personality Disorders*, 6(4), 343-359.
  27. Cuzzocrea, F., Larcana, R., & Lanzarone, C. (2012). Gender differences, personality and eating behaviors in non-clinical adolescents. *Eating and Weight Disorders*, 17(4), 282-289.
  28. Eagly, A. H. (1995). The science and politics of comparing men and women. *American psychologist*, 50, 145-156.
  29. Feingold, A. (1994). Gender differences in personality. *A meta-analysis, Psychological Bulletin*, 116, 429-456.
  30. Gallup Poll. (1996). *Gender and Society: Status and Stereotypes*. Princeton, NJ: Gallup Organization.
  31. Hankin, B. L., Abramson, L. Y., Moffitt, T. E., Silva, P. A., McGee, R. & Angell, K. (1998). Development of depression from preadolescence to young adulthood: Emerging gender differences in a -10year longitudinal study. *Journal of Abnormal Psychology*, 107, 128-140.
  32. Hicks, B. M., Carlson, M. D., Blonigen, D. M., Patrick, C. J., Iacono, W. G., & Mgue, M. (2012). Psychopathic personality traits and environmental contexts: Differential correlates, gender differences, and genetic mediation. *Personality Disorders*, 3(3), 209-227.
  33. Karanci, A. N., Dirik, G., & Yorulmaz, O. (2007). Reliability and validity studies of Turkish translation of Eysenck Personality Questionnaire Revised-Abbreviated. *Turkish Journal of Psychology*, 18(3), 54-67.
  34. Lucas, R. E., & Donnellan, M. B. (2007). How stable is happiness? Using the STARTS model to estimate the stability of life satisfaction. *Journal of Research in Personality*, 41, 1091-1092.
  35. Luxen, M. F. (2005). Gender differences in dominance and affiliation during a demanding interaction. *Psychology*, 139(4), 331-374.
  36. Maccoby, E. E., & Jacklin, C. N. (1974). *The psychology of sex differences*, Stanford.CA: Stanford University Press.
  37. Matthews, G., & Gilliland, K. (1999). The Personality theories of H.J.Eysenck and J.A.Gray : a comparative review. *Personality and Individual Differences*, 26, 583-626.
  38. McLean, C. P., & Anderson, E. R. (2009). Brave men and timid women? A review of the gender differences in fear and anxiety. *Clinical Psychology Review*, 29(6), 496-505.
  39. Meyer, G. J., & Kurtz, J. E. (2006). Advancing personality assessment terminology: time to retire "objective" and "protective" as personality test descriptors. *Journal of Personality Assessment*, 84(3), 223-225.
  40. Orpinas, P., McNicholas, C., & Nahapetyan, L. (2014). *Gender differences in trajectories of relational aggression perpetration and victimization from middle to high school*. Aggressive Behavior. Epub ahead of print.
  41. Palanza, P., Gioiosa, L., & Parmigiani, S. (2001). Social stress in mice: gender differences and effects of estrous cycle and social dominance. *Physiology and Behavior*, 43(3), 411-420.

42. Paul, T., Costa, P. T., Terracciano, A., & McCrae, R. R. (2001). Gender differences in personality traits across cultures: robust and surprising findings. *Personality and Social Psychology*, 81(2), 322-337.
43. Piñeiro, B., López, D. A., Fernández, D. R. E., Martínez, U., & Becoña, E. (2013). Gender differences in personality patterns and smoking status after a smoking cessation treatment. *Public Health*, Epub ahead of print.
44. Rebecca, A. & Pina, R. (2011). Depression and Self-Concept: Personality Traits or Coping Styles in Reaction to School Retention of Hispanic Adolescents, Houston. Hindawi Publishing Corporation Depression Research and Treatment.
45. Rode, J. C. (2005). Life satisfaction and student performance, Academy of management learning and education. *Journal of Social Behavior and Personality*, 4(3), 421-433.
46. Spotts, E. L., Lichtenstein, P., Pedersen, N., Neiderhiser, J. M., Hansson, K., Cederblad, M., & Reiss, D. (2005). Personality and marital satisfaction: a behavioral analysis. *European Journal of Personality*, 19(3), 205-227.
47. Tigani, X., Artemiadis, A. K., Alexopoulos, E. C., Chrousos, G. P., & Darviri, C. (2011). Gender differences in Greek centenarians. A cross-sectional nation-wide study, examining multiple socio-demographic and personality factors and health locus of control. *Geriatrics*, 11(87), 1-8.
48. Weinberg, M. K., Tronick, E. Z., Cohn, J. F., & Olson, K. L. (1999). Gender differences in emotional expressivity and self-regulation during early infancy. *Developmental Psychology*, 35, 175-188.
49. Wilson, G. S., Pritchard, M. E., & Revalee, B. (2005). Individual differences in adolescent health symptoms: the effects of gender and coping. *Adolescence*, 28(3), 79-369.
50. Wilson, W. R. (1967). Correlates of avowed happiness. *Psychological Bulletin*, 67, 294-306.
51. Zahn-Waxler, C., Shirtcliff, E. A. & Marceau, K. (2008). Disorders of childhood and adolescence: Gender and psychopathology. *Annual Review of Clinical*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی